

Advance on the European Common Foreign and Security Policy, from Kosovo to Ukraine

Yusof Molaei

Assistant Professor of International Relations, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science (retired), ymolaei@ut.ac.ir

Issa Adeli

Corresponding Author, MA graduate of International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran, Faculty of Law and Political Science, isadeli@ut.ac.ir

Abstract

The article seeks to evaluate the progress in the EU common foreign and security policy after the Lisbon treaty in comparison with Maastricht Treaty. Two crises in Eastern Europe have been studied by reviewing the EU's official documents and ratifications. Ukraine crisis occurred five years after the Lisbon treaty, likewise the Kosovo crisis happened five years after the Maastricht treaty. By comparing the EU reaction to these two crises, the achievements can be evaluated. The focus is mainly on restrictive measures like economic and diplomatic sanctions. The study shows that considering all differences, the Ukrainian crisis was a success story and the EU drew a more cohesive and more efficient response. This conclusion was reached by the number of reactions and their efficacy. However, there are some qualifications, especially when positive peace is explored, the outcome did not satisfy the expectations.

Keywords: *Common Foreign and Security Policy, Common Security and Defense Policy, Ukraine Crisis, Lisbon Treaty*

پیشرفت در سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا:

مطالعه‌ی موردی بحران اکرین و کوزوو

یوسف مولایی

استادیار بازنشسته دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی yousef.molaei@gmail.com

عیسی عادل

نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران،
isadeli@ut.ac.ir ایران

چکیده

هدف مقاله‌ی حاضر، ارزیابی میزان موفقیت سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه‌ی اروپا پس از لیسبون با استفاده از مطالعه‌ی موردی در بحران اکرین در سال ۲۰۱۴ و مقایسه‌ی آن با جنگ کوزوو در سال ۱۹۹۹ است. بدین منظور، ابتدا معاهده‌ی لیسبون و تفاوت‌های آن با معاهده‌ی ماستریخت مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس به تفاوت‌های بحران اکرین با بحران کوزوو اشاره خواهد شد. در نهایت عمل کرد دستگاه سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا در خصوص این بحران مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی و امنیتی مشترک، سیاست دفاعی و امنیتی مشترک، کوزوو، بحران اکرین، توافق لیسبون

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش:
۱۴۰۰/۰۲/۳۰

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۳۷-۶۳

مقدمه

داشتن یک صدای واحد در قبال مسائل بین‌المللی، از ابتدای روند همگرایی، به‌ویژه بعد از ماستریخت، یکی از آرزوهای فدرالیست‌های اروپایی بوده و هست. از دلایل آن می‌توان از واکنش به اتفاقات دنیای پس از جنگ سرد، و سردرگمی اروپاییان از جایگاه خود در این جهان تک‌قطبی وابستگی متقابل نام برد. بحران‌هایی نظیر بحران جنگ دوم خلیج فارس، بحران بوسنی و کوزوو، و حمله‌ی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، اروپاییان را در برابر پرسش از نقش خود در معادلات بین‌المللی قرار داده است. مواد مرتبط با سیاست خارجی در توافقات ماستریخت، آمستردام، نیس و لیسبون، هر یک تلاشی بوده‌اند برای پاسخ به این پرسش. در عین حال دولت‌های اروپایی، هرچاکه پای منافع مستقیم آن‌ها در میان باشد، خود به میدان می‌آیند؛ نظیر بحران بدهی‌های یونان، و هرچاکه موضوعات از منافع مستقیم آن‌ها دور باشد، مانند بحران خاورمیانه و یا مذاکرات پرونده‌ی هسته‌ای ایران در دوره‌ای که این مذاکرات جدی نبود، نماینده عالی سیاست خارجی خود را روانه می‌کنند. بحران اکرین در سال ۲۰۱۴ سنگ محک خوبی است، زیرا مسئله‌ی اکرین هم ربط مستقیم به منافع ملی کشورها دارد، و هم محل تقابل آمریکا و روسیه است. لذا، اروپاییان به‌خوبی دریافته‌اند که صدای منفردشان شنیده نخواهد شد.

انگیزه‌های همگرایی در هر دوره‌ای در پاسخ به یک چالش عمده‌ی بین‌المللی شکل می‌گرفت. ابتدا با مهار آلمان شروع شد تا به جامعه‌ی زغال و فولاد انجامید. سپس ترس از کمونیسم، انگیزه‌ای شد برای شکل دادن به یک ارتش اروپایی.

بعد از آن اختلافات آتلانتیکی، استقلال از آمریکا و شکل دادن به یک هویت اروپایی زمینه‌ساز همکاری‌های سیاسی شد. بعد از جنگ سرد، بحران‌های شرق اروپا و ناتوانی اروپاییان از حل آن‌ها، به‌طور ویژه بحران کوزوو، آنان را به فکر ایجاد نهادهای مشترک در سیاست خارجی و دفاعی انداخت. در سال‌های اخیر، به‌ویژه بعد از بحران گرجستان، بحران گاز در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹، تمرکز همگرایی اروپایی‌ها در سیاست خارجی متوجه روسیه شد. از این جهت بحران اکراین برای این مطالعه در نظر گرفته شده است که نقطه‌ی اوج این تنش‌هاست. آنچه را که می‌توان موتور محرک اروپا در حرکت به سمت یک سیاست خارجی و دفاعی مشترک بعد از آمستردام نامید، شکست اتحادیه در قبال بحران کوزوو بود. (Latawski & Smith, 2003) پس از پانزده سال از آن بحران، بحرانی دیگر در شرق اروپا، فرصتی را فراهم آورده است تا بتوانیم قضاوت کنیم؛ آیا رفتار اتحادیه در قبال این بحران تفاوت جدی با بحران قبلی دارد. البته هر بحرانی شرایط زمانی و مکانی خود را دارد. لذا در این پژوهش، پیش از ارزیابی عمل کرد سیاست خارجی و دفاعی مشترک، زمینه‌های دو بحران نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگرچه نمی‌توان کاملاً عوامل زمینه‌ای را از عوامل عمل‌کردی تفکیک کرد، اما آگاهی از آن‌ها موجب بهبود تحلیل نهایی می‌شود.

۱. تفاوت‌های معاهده لیسبون و ماستریخت

اگرچه نخستین نشانه‌های هماهنگی در سیاست خارجی به گزارش «داوینیون»^(۱) در سال ۱۹۷۰ برمی‌گردد (Dedman, 2010)، اما سیاست خارجی مشترک به‌عنوان یکی از ارکان اتحادیه اروپا در معاهده‌ی ماستریخت برای اولین بار مطرح شد و نهادهای آن در آمستردام شکل گرفتند. بعد از اضافه شدن دوازده کشور در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷، خطر عدم انسجام در سیاست‌های کلان اتحادیه وجود داشت. معاهده‌ی لیسبون به وجود آمد تا اروپا بیشتر به صورت یک بلوک منسجم عمل کند. (Waterfield, 2009) هدف دیگر این معاهده افزایش کارایی و دموکراسی در درون اتحادیه و در روابط خارجی آن بود. (ایزدی، ۱۳۸۷) شاید مهم‌ترین تغییر در معاهده‌ی لیسبون از جهت نقشی که در سیاست خارجی مشترک اتحادیه ایفا

خواهد کرد، اضافه شدن دو پست رئیس شورای اروپا توسط یک سیاست‌مدار به مدت دو سال به‌جای ریاست شش‌ماهه‌ی هر یک از کشورهای عضو و پست نماینده‌ی عالی سیاست خارجی و امنیتی مشترک است. از دیگر تغییرات، افزایش نقش جمعیت در مقابل واحدهای سیاسی است. به‌همین دلیل نقش کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، لهستان و به‌ویژه آلمان پررنگ‌تر خواهد شد. هم‌چنین تغییر شیوه‌ی رأی‌گیری در مورد پنجاه موضوع مورد بحث اعمال خواهد شد که در این بین موضوع سیاست خارجی مشترک کمی متفاوت است. از یک‌طرف همان‌طور که از اسم آن پیداست همانند مهاجرت و تروریسم نیاز به یک سیاست واحد و مشترک دارد، از طرف دیگر همانند مالیات حساسیت حاکمیتی در مورد آن وجود دارد. راه‌حلی که برای آن در نظر گرفته شده ماده‌ی ۳۱ معاهده است. اگر یکی از اعضا با ذکر دلیل موضوعی را در حوزه‌ی سیاست‌های حاکمیتی بدانند، رأی‌گیری متوقف شده و نماینده عالی با آن عضو رایزنی می‌کند تا به راه‌حلی دست یابند. در صورتی که این رایزنی نتیجه‌ای حاصل نکند، موضوع با رأی اکثریت کیفی به شورای اروپایی محول می‌شود. تصمیم‌گیری در شورای اروپایی هم براساس اتفاق آرا خواهد بود. تغییرات دیگری نظیر کوچک شدن کمیسیون و کاهش کرسی‌های پارلمان هم در معاهده پیش‌بینی شده که ارتباط مستقیمی به موضوع پژوهش حاضر ندارد.

نکته‌ی مهم در خصوص معاهده‌ی لیسبون، جایگاه نماینده‌ی عالی سیاست خارجی و امنیتی مشترک است. این نماینده جایگزین مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا که منتخب شورا بود، و کمیسیون روابط خارجی کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا می‌شود. در واقع، این سیاست‌مدار اروپایی رابط بین نهاد فراملی کمیسیون و یک‌نهاد بین دولتی شورا هست؛ و این موضوع قدرت چانه‌زنی وی را افزایش می‌دهد. وی علاوه‌بر این سه سمت دیگر هم دارد: رئیس شورای امور خارجی، رئیس سرویس اقدام خارجی؛ (Laursen, 2012) و هم‌چنین رئیس آژانس دفاعی اروپا. معاهده‌ی لیسبون هم‌چنین به اتحادیه‌ی اروپا یک شخصیت حقوقی

واحد اعطا می‌کند، که از ترکیب «جامعه‌ی اروپا»^۱ و «اتحادیه‌ی اروپا»^۲ پدید آمده است. (Piris, 2010)

این موضوع بازم قدرت چانه‌زنی نهادهای این اتحادیه به‌ویژه نماینده‌ی عالی را افزایش می‌دهد. از دیگر ابتکارات معاهده ایجاد سرویس اقدام خارجی است که موجب هم‌گرایی بیشتر نهادی در اجرای سیاست‌های خارجی اتحادیه می‌شود؛ و همانند بدنه‌ی یک وزارت امور خارجه عمل می‌کند. کارکنان سرویس اقدام خارجی از میان اعضای دبیرخانه کمیسیون، شورای اروپا، و سرویس‌های دیپلماتیک کشورهای عضو انتخاب می‌شوند. (مجیدی و دیگران، ۱۳۹۲) هم‌چنین ماده‌ی ۲۱۵ معاهده‌ی لیسبون به اقدامات قهرآمیز اتحادیه اختصاص یافته است که ابزار مهمی در اجرای سیاست خارجی این اتحادیه می‌تواند باشد.

۲. تفاوت‌های بحران کوزوو و اکرین

بحران کوزوو در ۲۸ فوریه ۱۹۹۸ آغاز شد. اختلاف میان آلبانی تبارهای کوزوو و صرب‌های منطقه بود، که نهایتاً به درگیری مسلحانه ارتش جمهوری فدرال یوگسلاوی و ارتش آزادی‌بخش کوزوو منتهی شد. بعد از آغاز درگیری‌ها مذاکراتی برای حل و فصل منازعه شروع شد که به توافق رامبویلت منتهی شد. اما یوگسلاوی از امضای آن خودداری کرد. اسلوبودان میلوسویچ تصمیم گرفت تا این منطقه را از وجود آلبانی تبارها پاک کند؛ و بعد از سرباززدن از امضای توافق‌نامه روند پاک‌سازی قومی را تشدید کرد. بیش از ده هزار نفر از آلبانی تبارها کشته و ۸۵۰ هزار نفر آواره شدند. در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۹۹ جنگ داخلی با دخالت نیروی هوایی ناتو تبدیل به یک مناقشه‌ی بین‌المللی شد. ۲۳ اپریل همان سال نیروهای ناتو تصمیم گرفتند تا حملات هوایی را تشدید کنند و علاوه بر آن نیروهای زمینی را هم وارد منطقه کنند. جنگ نهایتاً در تاریخ ۱۰ جون ۱۹۹۹ پایان یافت و یوگسلاوی تسلیم خواست‌های ناتو و آمریکا شد و توافق‌نامه را امضا کرد. در نتیجه آن نیروهای یوگسلاوی از کوزوو خارج شدند و نیروهای بین‌المللی موسوم به

^۱EC

^۲EU

«کافور»^۱ برای نظارت بر حسن اجرای توافق در آنجا مستقر شدند. (Quackenbush, 2014)

بعد از پایان این بحران، در سه مورد دیگر در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ درگیری‌های داخلی مجدداً اوج گرفتند، که خونین‌ترین آن‌ها درگیری‌های سال ۲۰۰۴ بود. (Collaku, 2015) درگیری‌های سال ۲۰۱۳ با میانجیگری اتحادیه‌ی اروپا پایان یافت. (Vasovic & Pawlak, 2013) که می‌توان آن را موفقیتی برای اتحادیه دانست. بحران کوزوو در سال ۱۹۹۸، اولین جنگ ناتو، و اولین مداخله‌ی نظامی این سازمان، بدون مجوز شورای امنیت بود. درعین حال در این بحران اولین بار سازمان ملل کنترل اداره‌ی یک منطقه را به دست گرفت. درنهایت این مداخلات باعث ایجاد جدیدترین کشور اروپایی شد. (Bislimi, 2012)

بحران اکران زمانی شروع شد که ویکتور یانوکویچ در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ در برابر دریافت ۱۵ میلیارد دلار کمک از روسیه، توافق تجاری خود با اتحادیه‌ی اروپا را به حالت تعلیق درآورد. به دنبال آن سه ماه اعتراض خیابانی باعث شد، تا دولت وی در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ سقوط کند. پس از آن مردان مسلح طرفدار روسیه، پارلمان و دو فرودگاه در کریمه را تصرف کردند. در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ فرماندومی در کریمه برگزار شد که در آن مردم به‌الحاق این بخش به روسیه رأی دادند. ۱۱ می همان سال لوهانسک و دونتسک اعلام استقلال کردند. به دنبال انتخاب پترو پروشنکو، در ۲۷ جون ۲۰۱۴ قرارداد تجاری مابین اکران و اتحادیه‌ی اروپا امضا شد. پس از چندین بار شکست مذاکرات، در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ سران اکران، روسیه، آلمان و فرانسه، برای پایان دادن به خشونت‌ها به توافق رسیدند که به توافق مینسک دو مشهور شد. مقایسه‌ی کوزوو و کریمه از ابتدا باانگیزه‌های سیاسی و از سوی ولادیمیر پوتین مطرح شد. (Putin, 2014) درواقع استقلال کوزوو توجیهی بود برای الحاق کریمه. در این میان اما مخالفان می‌گویند که اولاً خونریزی‌ها در کریمه انگیزه‌ی دخالت غرب بوده درحالی که در کریمه، هیچ خشونت سازمان‌یافته‌ای مشاهده نشده بود. دلیل دیگر اشاره به رأی مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری

دارد که در سال ۲۰۱۰ استقلال کوزوو را ناقض حقوق بین‌الملل ندانست. استدلال دادگاه این بود که حقوق بین‌الملل هرگز اعلامیه استقلال را غیرقانونی نمی‌داند و آن را موضوعی داخلی تلقی می‌کند. دادگاه در توجیه رأی خود علیه قطعنامه شورای امنیت به این نکته اشاره می‌کند که شورای کوزوو نقش رسمی نداشته و صرفاً بیانگر خواست مردم کوزوو بوده، لذا می‌تواند قطعنامه‌های شورای امنیت را نادیده بگیرد. این بحث هم‌چنان ادامه دارد، به‌ویژه این‌که هر استدلالی می‌تواند به موارد مشابه تسری یابد. (Parish, 2014) اما گذشته از استدلال‌های سیاسی که در توجیه اقدامات انجام‌شده توسط روسیه و یا ناتو در هر یک از این دو کشور انجام شده است، تفاوت‌های این دو بحران را در دو سطح کلان نظام بین‌الملل و سطح خرد داخلی می‌توان در دو بخش موردبررسی قرارداد:

الف) تفاوت در نظام بین‌الملل

۱. همراهی روسیه و آمریکا در دهه‌ی نود در مقابل تنش‌های دهه‌ی ۲۰۱۰

دهه‌ی نود اوج دوران همکاری آمریکا و روسیه بعد از جنگ سرد است. این روند تا دو سال بعد از یازده سپتامبر تحت‌تأثیر فضای احساسی آن حادثه ادامه پیدا کرد. جنگ خلیج فارس، حوادث بوسنی، آغاز بی‌دردسر فرایند عضویت کشورهای اروپای شرقی در اتحادیه‌ی اروپا و ناتو، و حتی برقراری رابط نهادی مابین ناتو و روسیه از دستاوردهای این حسن همکاری بود. حمله‌ی ناتو به کوزوو اگرچه با مجوز شورای امنیت همراه نبود، اما روسیه اقدامی در این خصوص انجام نداد؛

۲. انسجام بیشتر اتحادیه در سایر موضوعات

تلاش اروپا برای انسجام بیشتر بعد از ماستریخت روی سیاست خارجی و دفاعی تمرکز یافت. در دهه‌ی ۱۹۹۰ اروپا نتوانست درزمینه‌ی سیاست خارجی به انسجام لازم دست پیدا کند و علت آن نیز نبود ابزارهای لازم و ازجمله‌ی آن تشریک‌مساعی درزمینه‌های دفاعی - امنیتی بود. تنها بعد از دیدار شیراک و بلر در سن مالو بود که به تدریج توافق درزمینه‌ی هویت دفاعی اروپا فراهم شد.

درعین حال سال ۱۹۹۹ یورو رسماً واحد پول اروپا شد و توافقات شنگن گسترش پیدا کرد. به تدریج نهادهای اروپایی روند گسترش و تعمیق را طی کردند. این روند پس از لیسبون شتاب بیشتری گرفت و سازمان دفاعی و سیاست خارجی با تشکیل کمیته سیاسی-دفاعی، کمیته نظامی، ستاد نظامی، سرویس اقدام خارجی و غیره سازمان‌دهی بیشتری پیدا کرد.

۳. تجربه چندین مأموریت حفظ صلح در اتحادیه

بر طبق ارزیابی مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی لندن، بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴، اتحادیه‌ی اروپا ده عملیات حفظ صلح نظامی و غیرنظامی در اروپا، و ۲۳ عملیات مشابه در آفریقا، خاورمیانه و آسیا انجام داده است. (EU, 2003) علاوه بر این‌ها وزرای اتحادیه اروپا غربی سال ۱۹۹۲ در بن آلمان تصمیم گرفتند تا در همکاری مشترک با اتحادیه اروپا مأموریت‌های انسان دوستانه، حفظ صلح و مدیریت بحران را انجام دهند. در معاهده‌ی آمستردام، این مأموریت‌ها به معاهده‌ی اتحادیه اروپا اضافه شد. با تأسیس آژانس دفاعی اتحادیه اروپا، عملاً اتحادیه اروپای غربی منحل، و کلیه مأموریت‌ها زیر نظر آژانس دفاعی اتحادیه اروپا و تحت ریاست نماینده عالی اجرا می‌گردد. (Treaty of Amsterdam, 1997)

۴. اهمیت استراتژیک اکرین برای روسیه و اروپا

نگاهی گذرا به نقشه جغرافیا، مساحت، میزان جمعیت و سطح توسعه‌یافتگی اکرین نسبت به کوزوو به خوبی تفاوت دو کشور را نشان می‌دهد. اکرین برای روسیه اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. این اهمیت فقط ژئوپلیتیک نیست، بلکه هویتی و احساسی هم هست؛ آن قدر که به آن لقب بلاروس دوم هم داده‌اند. (Velychenko, 2007) در صورتی که اکرین از کنترل و نفوذ روسیه خارج شود و با پذیرش الگوهای غربی در تقابل با روسیه قرار گیرد، هویت روسیه با چالش روبرو می‌شود. (صفری و وثوقی، ۱۳۹۵) بسیاری از شهرهای پرافتخار روسی مانند سواستوپل و ادسا در اکرین واقع شده است. کیف یکی از مظاهر مهم خودآگاهی و اصالت قومی روسیه بوده است. در تاریخ روسیه، کیف همیشه به عنوان پایتخت اول

اراضی روسیه (مادر شهرهای روسیه) و بانی فرهنگ و نظام دولتی روسیه تلقی می‌شود. (زادوخین، ۱۳۸۴، به نقل از صفری و وثوقی، ۱۳۹۵) از طرف دیگر جامعه‌ی اوکراین روزبه‌روز نسبت به جامعه‌ی روسیه بیگانه‌تر و دارای احساسات خصمانه‌تری می‌شوند. طبق نظرسنجی مؤسسه‌ی گالوپ که در فوریه ۲۰۱۸ منتشر شده است، هر چه از زمان درگیری‌ها می‌گذرد، احساسات دو ملت نسبت به یکدیگر خصمانه‌تر می‌شود و در این مورد اوکراینی‌ها از روس‌ها پیشی گرفته‌اند. در سال ۲۰۱۴، تنها ۱۷ درصد اوکراینی‌ها معتقد بودند که باید رابطه با روسیه را قطع کرد. این عدد در سال ۲۰۱۷ به ۳۹ درصد رسیده است. (Ray & Neil, 2018) اوکراین به لحاظ ژئواکونومیک هم برای روسیه اهمیت دارد. در زمان شوروی اوکراین دومین جمهوری مهم از نظر اقتصادی بود و بخش مهمی از صنایع نظامی اتحادیه در این کشور قرار داشت. در سال ۲۰۱۷، بیش از یک سوم گاز صادراتی روسیه به اروپا از اوکراین گذشته است. (Russian gas exports via Ukraine up 23 pct this year, 2017) این عدد اگرچه نسبت به پیش از بحران کریمه بسیار پایین‌تر است، اما خود نشان‌دهنده‌ی انحصار اوکراین در ترانزیت گاز صادراتی به روسیه است.

اوکراین به لحاظ ژئوپلیتیک نیز برای روسیه اهمیت دارد. پایگاه نیروی دریایی این کشور در سواستوپل تنها مسیر دریایی روسیه به آب‌های گرم است که امکان دسترسی این کشور به دریای سیاه، دریای مدیترانه و حتی اقیانوس اطلس را فراهم می‌کند. اما اهمیت اوکراین برای اروپا بیشتر از آن‌که تاریخی و هویتی باشد جغرافیایی است. با گسترش و سایل حمل‌ونقل اوکراین هم‌اکنون در قلب قاره اروپا قرار گرفته است. ناآرامی در این کشور ناآرامی در داخل مرزهای اروپا محسوب می‌شود. سیل پناهندگان که از اوکراین می‌توانند، راه اروپا را در پیش بگیرند، می‌تواند بر نگرانی‌ها بیفزاید. از سوی دیگر رقابت‌های آمریکا و روسیه نیز موجب نگرانی اروپایی‌هاست تا آنجایی که عده‌ای بحران اوکراین را آغاز جنگ سرد دوم می‌دانند. (Legvold, 2015)

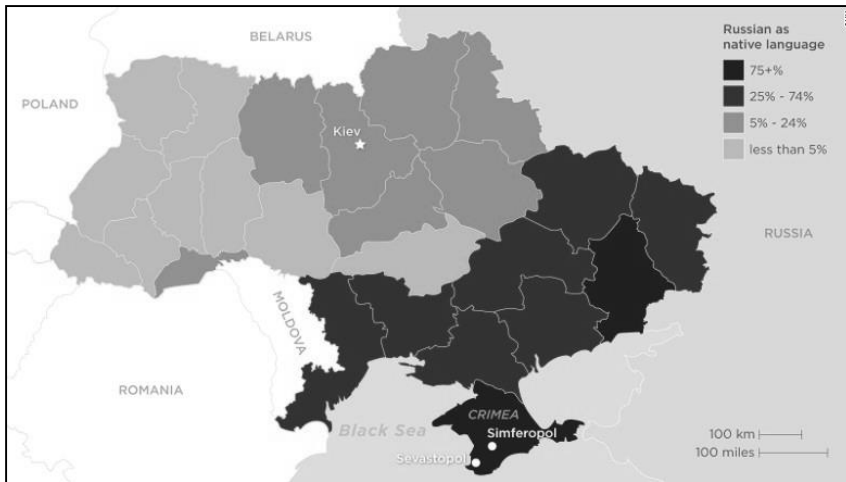
ب) تفاوت داخلی دو سرزمین

۱. برخوردهای خشونت‌بارتر در کوزوو

اگر بحران اکرین در غرب این کشور را از بحران کریمه جدا کنیم، تعداد کشته‌های بحران اکرین براساس برخی تخمین‌ها بین ۱۱۰ تا ۱۲۳ نفر برآورده شده است. (Kozlenko & Heintz, 2015) البته بعد از بحران اکرین و مداخلات خارجی متعاقب آن، در شرق اکرین در منطقه دونباس، طبق آمار دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، بیش از ده هزار نفر کشته شدند. (Rights, 2017) آنچه بحران کوزوو را وخیم‌تر کرد دو چیز بود: اول تجربه بوسنی و احتمال رخ دادن وقایع مشابه. بحران کوزوو زیر سایه اتفاقات یوگسلاوی بسیار وخیم‌تر به نظر می‌رسید. در بحران بوسنی ۱۴۰ هزار نفر کشته، ۷۵۰ هزار نفر ناپدید، دو میلیون نفر آواره، و ۳۰۰ هزار زن مورد تجاوز قرار گرفتند. (Cohen, 1993) دوم تصمیمی که رهبران صرب برای پاک‌سازی قومی گرفته بودند. کمپینی که صرب‌ها به راه انداخته بودند تا سال ۱۹۹۹ باعث آوارگی یک و نیم میلیون نفر شد که این رقم حدود ۹۰ درصد جمعیت کوزوو بود. (Lindsay, 2017) تعداد کشته‌های این جنگ هم حدود ۱۱۰۰۰ نفر تخمین زده شده است که البته بسیار کمتر از آمار ناتو و ایالات متحده است. (Tweedie, 2009)

۲. مبنای قومی بحران کوزوو

می‌توان ترکیب جمعیتی و شکاف اجتماعی جامعه اکرین را حول محور مسائل قومی و زبانی تقسیم‌بندی کرد. شکل زیر نقشه‌ی اکرین را براساس تفکیک زبانی نشان می‌دهد:



شکل ۱. نقشه‌ی زبان‌های رایج در اوکراین

منبع: (A divided Ukraine, 2014)

اما آنچه علت اصلی اعتراضات بوده، نوع رابطه‌ی اوکراین با جهان خارج است. به‌عنوان مثال روس‌زبانان در مناطق غربی هم نسبت به فساد در دولت یانوکویچ اعتراض داشته‌اند، و درعین‌حال بخش مهمی از آنان خواهان حفظ تمامیت ارضی اوکراین هستند. درحالی‌که بحران کوزوو کاملاً ماهیت قومی داشته و خشونت‌ها در خطوط گسل قومی در کوزوو کاملاً واضح است.

عملکرد سیاست خارجی اروپا در اوکراین

برای پرداختن به این موضوع، ابتدا مختصری تاریخچه روابط اروپا - اوکراین را بررسی می‌کنیم. سپس به مواضع و اقدامات اتحادیه در خلال بحران اوکراین می‌پردازیم.

۳. تاریخچه روابط اتحادیه اروپا و اوکراین

سیاست خارجی اوکراین از سال ۱۹۹۱ بین دو گزینه در نوسان بوده است: ادغام با روسیه و ساختار CIS و یا ادغام در اتحادیه اروپا. در پایان دهه‌ی ۱۹۹۰ به نظر می‌رسید که این کشور، اروپا را انتخاب کرده است. اما از ابتدای قرن بیست‌ویک روسیه تلاش داشت تا اوکراین را در ساختار خود به‌ویژه در فضای «اقتصادی

مشترک» درگیر کند. (Velychenko, 2007) گسترش اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ اوکراین را به یک همسایه‌ی مهم، با جمعیت فراوان و فرصت‌های اقتصادی جذاب تبدیل کرد. برای تمرکز بر روابط اروپا و اوکراین، به‌ویژه از منظر نهادهای همکاری، شاید بهتر باشد به توافقات فی‌مابین اشاره داشته باشیم.

در سال ۱۹۹۴ توافق‌نامه مشارکت و همکاری (PCS) امضا شد که تصویب آن در تمام کشورهای عضو اتحادیه تا سال ۱۹۹۸ طول کشید. توافقاتی که با این عنوان مابین «کشورهای تازه استقلال یافته»^۱ از شوروی سابق و اتحادیه اروپا امضا می‌شوند، حالتی میانه دارند؛ تا هم وضعیت موجود این کشورها از نظر سیستم سیاسی - اجتماعی به‌جامانده از شوروی سابق را در نظر بگیرند، و هم زمینه را برای توافقات جامع‌تر با اتحادیه اروپا آماده کنند؛ که احتمالاً کاملاً تحت فرایند گذار به بازار آزاد و دموکراسی‌سازی خواهند بود. تمرکز این توافق‌نامه مسائل اقتصادی اجتماعی بود. (Schneider, 2001) این توافق‌نامه در سال ۲۰۰۸ خاتمه یافت. پیش از آن «برنامه اقدام مشترک اروپا - اوکراین»^۲ در سال ۲۰۰۵ بین طرفین امضا شد.

سیاست همسایگی اتحادیه اروپا یکی از ابزارهای سیاست خارجی اتحادیه اروپا هست که به‌منظور حفظ امنیت و ثبات در کشورهای همسایه اتحادیه در شرق و جنوب این قاره در سال ۲۰۰۳ پایه‌گذاری شد. این سیاست از دو بخش برنامه مشارکت شرقی^۳ و مشارکت یورو - مدیترانه^۴ تشکیل شده است. برنامه‌ی مشارکت شرقی شامل شش کشور از اقمار سابق شوروی از جمله اوکراین است که از سال ۲۰۰۹ شروع به کار کرده است. در هر یک از این موارد اتحادیه با کشورها قراردادهای اتحادیه امضا می‌کند تا این کشورها را در قبال دموکراسی، حقوق بشر و

۱ Common Economic Space

۲ New Independent States

۳ Joint EU-Ukraine Action Plan

۴ Eastern Partnership

۵ Euro-Mediterranean Partnership

۶ Association Agreement

حاکمیت قانون متعهد کند. (Kostanyan, 2017)

اما در مورد اکراین، این قرارداد به یک تنش سیاسی داخلی و بعد از سقوط دولت، به یک تنش بین‌المللی تبدیل شد، تا این‌که بالأخره در اول سپتامبر ۲۰۱۷ قرارداد امضا و عملیاتی شد. (Jozwiak, 2017) توافق تجارت آزاد جامع و عمیق بین اروپا و اکراین که از اول ژانویه ۲۰۱۶ اجرایی شد، مهم‌ترین سیاست تجاری اتحادیه اروپا در قبال اکراین است. این بخشی از قرارداد جامع‌تر مشارکت است. مذاکرات مربوط به آن بعد از الحاق اکراین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۸ شروع شد. هدف این توافق در وهله‌ی اول حذف تعرفه‌ها و سهمیه‌های تجاری و باز کردن درهای اتحادیه اروپا به روی صادرات اکراین بود. اما در هدفی گسترده‌تر یکسان کردن استانداردها و متناسب کردن قوانین، هنجارها در بخش‌های گوناگون تجاری بود. (Smith, 2016)

در مقاله‌ای در پژوهش‌نامه سیاست بین‌الملل، ناصر حکمت و محمدعلی رمضانی به بررسی علل ناکامی سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در مورد اکراین پرداخته‌اند. آنان این موارد را از دلایل شکست سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در قبال اکراین می‌دانند: ناسازگاری دموکراسی‌سازی و ایجاد ثبات، نبود یک‌پارچگی در سیاست خارجی اتحادیه، نبود چشم‌انداز الحاق، کم‌انگیزی در میان اکراینی‌ها به دلیل عدم ارائه‌ی امکان تحرک کالا و انسان که اکراینی‌ها به شدت به آن نیاز دارند، حمایت عملی اندک از انجمن‌های جامعه مدنی در اکراین، مقدار کم کمک‌ها و عدم اختصاص آن به کارهای بلندمدت، بحران اقتصادی و ترجیح اعضا درگیر بحران به همسایگان. ضمن این‌که ضربه‌ای که بحران به اعضا ضعیف اتحادیه وارد کرد، جذابیت همگرایی را در میان همسایگان کاهش داد. و سر آخر مداخله‌ی روسیه و چانه‌زنی دولت‌ها در اکراین با اتحادیه برای نزدیکی بیشتر در مقابل نزدیکی به روسیه (حکمت و رمضانی، ۱۳۹۴)

۴. عملکرد سیاست خارجی اروپا در بحران اکراین

برای ارزیابی عملکرد سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و به جهت این‌که این ارزیابی

روش‌مند و در چهارچوب قابل‌بررسی دارای پایایی باشد، به سایت مشترک شورای اروپایی و شورای اتحادیه‌ی اروپا مراجعه کردیم و کلیه‌ی اقدامات انجام شده توسط اتحادیه در پاسخ به بحران اکرین را موردبررسی قرار دادیم. مواردی که در اینجا موردبررسی قرار می‌گیرند، تنها شامل اقدامات رسمی خواهد بود و موضع‌گیری‌ها و دیدارهای دیپلماتیک مقامات اتحادیه از محدوده این پژوهش خارج‌اند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بحران اکرین ۲۱ نوامبر ۲۰۰۳ شروع شد. از تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۴ نیروهای شبه‌نظامی حامی روسیه شروع به اشغال کریمه کردند. اولین اقدام اتحادیه‌ی اروپا در تاریخ ۳ مارس همان سال در قالب یک جلسه فوق‌العاده شورای روابط خارجی برای بررسی وضعیت اکرین بود. کریمه در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۱۴ به روسیه ملحق شد. آخرین آن‌ها تا زمان نگارش این مقاله در ۱۲ مارس ۲۰۱۸ بوده که شامل تمدید تحریم‌ها علیه نقض‌کنندگان تمامیت ارضی اکرین تا سپتامبر ۲۰۱۸ است. کلیه‌ی اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا بر اساس تقسیم‌بندی ارائه شده در وب‌سایت مشترک شورای اروپایی و شورای اتحادیه اروپا به شرح زیر است:

اقدامات دیپلماتیک

۱. در سال ۲۰۱۴، نشست سران روسیه و اتحادیه لغو شد و گفت‌وگوها پیرامون مسائل مربوط به ویزا و توافقات فی‌مابین روسیه و اتحادیه لغو شد.
۲. نشست جی ۸ در سوچی لغو و به‌جای آن نشست جی ۷ (بدون حضور روسیه) در بروکسل برگزار شد. از آن‌پس دیگر روسیه به این نشست دعوت نشد.
۳. گفت‌وگوها پیرامون عضویت روسیه در سازمان امنیت و همکاری اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی تعلیق شد.

اقدامات تنبیهی

۱. ایجاد محدودیت برای افراد (شامل مسدود کردن دارایی‌ها و محدودیت سفر)
- ۱۵۰ شخص و ۳۸ شرکت به دلیل نقض تمامیت ارضی، استقلال و

حاکمیت اکراین مشمول مسدودی دارایی و محدودیت مسافرت شدند.

۲. ایجاد محدودیت در مبادلات اقتصادی با کریمه و سواستوپل

• ممنوعیت واردات کالا از کریمه و سواستوپل

• ممنوعیت تجارت و سرمایه‌گذاری در برخی بخش‌های اقتصادی و

پروژه‌های زیربنایی

• ممنوعیت ارائه‌ی خدمات توریستی به کریمه و سواستوپل

• ممنوعیت صادرات برخی کالاها و تکنولوژی‌ها

۳. تحریم‌های اقتصادی روسیه

• این تحریم‌ها از جولای ۲۰۱۴ شروع شد و در مارس ۲۰۱۵ رفع آن‌ها

منوط به اجرای کامل توافق مینسک شد.

۴. محدودیت در همکاری‌های اقتصادی

فهرستی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده توسط اتحادیه در پیوست یک آمده

است.

ضعف عمل‌کرد اتحادیه‌ی اروپا در بحران کوزوو مورد اتفاق نظر بسیاری از

سیاست‌مداران و پژوهش‌گران است. شپهرد در مقاله‌ای با عنوان "سنگ محکی در

تاریخ اتحادیه اروپا: کوزوو و نقش بین‌المللی اتحادیه اروپا" اشاره کرد که اتحادیه

اروپا در بحران کوزوو نشان داد که در جلوگیری، مهار و پایان منازعه در مرزهای

خود ناتوان است. (Shepherd, 2009)

اقدامات اتحادیه‌ی اروپا در بحران کوزوو

۱. در مجموع، اهم اقدامات اتحادیه پیش از شروع بحران کوزوو را می‌توان

به شرح زیر برشمرد: ایجاد مأموریت نظارتی بر جامعه^۱

۲. از سال ۱۹۹۶، ۲۲ اعلامیه، تصمیم یا اقدام مشترک در چارچوب سیاست

خارجی و امنیتی مشترک

۳. تحریم اقتصادی دارایی‌های صربستان در خارج و ورود سرمایه به این

کشور

۴. تحریم تسلیحاتی یوگسلاوی سابق، اتخاذ یک رویکرد جامع در حمایت از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در مأموریت تحقیق کوزوو^۱

اقدامات اتحادیه اروپا پس از شروع بحران کوزوو نیز شامل موارد زیر می‌شود:

۱. ایجاد دولت موقت بین‌المللی تحت کنترل اتحادیه اروپا
 ۲. ایجاد یک نیروی پلیس که بازتابی از شرایط اجتماعی کوزوو باشد
 ۳. برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه
 ۴. اعزام نیروهای نظامی بین‌المللی برای حفاظت از جمعیت کوزوو
- مأموریت حاکمیت قانون کوزوو معروف به «ای یولکس»^۲ بزرگ‌ترین و گران‌ترین مأموریت در تاریخ اتحادیه اروپا بوده است. این مأموریت در سال ۲۰۰۸ آغاز شده و موفقیت چندانی هم نداشته است. (An Insider's View of EU Efforts in Kosovo, 2012)

۵. بررسی تطبیقی

در بحران کوزوو همانند بحران بوسنی، دیپلماسی شکست خورد. در بحران اوکراین، اگرچه چندین بار توافق آتش‌بس شکست خورد اما در نهایت توافق می‌سک باعث جلوگیری از گسترش بحران شد. دیپلماسی زمانی می‌تواند موفق شود که اقدامات قهرآمیز به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در اختیار دیپلمات‌ها قرار گیرد. در بحران کوزوو قدرت قهرآمیز در اختیار اروپاییان قرار نداشت. اما در بحران اوکراین همان‌طور که در لیست اقدامات اشاره شد، نحوه و زمان اعمال تحریم‌ها با توافق‌نامه‌های منعقد شده میان طرفین پیوند خورد تا به‌عنوان اهرم فشاری در مذاکرات به کار آید.

اگرچه کوزوو بسیار کوچک‌تر و به لحاظ ژئوپلیتیک کم‌اهمیت‌تر از اوکراین است، اما به همان میزان هم موانع هماهنگی سیاست‌ها در آن کمتر است. علاوه‌براین سیاست خارجی روسیه در اواخر دهه‌ی ۹۰ مانع‌تراشی کمتری نسبت

^۱Kosovo Verification Mission

^۲EULEX

به خواست‌های غرب نسبت به شرق اروپا داشت. اگرچه یلتسین تهدید کرده بود دخالت ناتو، روسیه را به یک جنگ اروپایی یا جهانی می‌کشاند. ظاهراً کسی این تهدیدها را جدی نگرفت. در بحران اوکراین، اتحادیه اروپا در مقابل روسیه توانست حداقلی از هماهنگی را نشان دهد.

از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، بیسلیمی اشاره می‌کند اتحادیه‌ی اروپا علی‌رغم نزدیکی ژئواستراتژیک کوزوو، نسبت به وضعیت بحرانی این کشور بی‌توجه بوده است. (Bislimi, 2012) این درحالی‌است که اتحادیه‌ی اروپا همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مدتی بعد از پایان جنگ سرد وارد یک سری روابط قراردادی با اوکراین شد تا ثبات، دموکراسی و ادغام این کشور در اتحادیه را تسهیل کند. نکته‌ی بسیار مهم دیگر این‌است که کوزوو به شرایط بعد از بحران رسیده است. اقداماتی که تحت عنوان حفظ صلح بعد از صلح‌سازی انجام می‌شود در کوزوو قابل‌بررسی است، درحالی‌که این موارد را در کریمه نمی‌توان بررسی کرد. کریمه از کنترل اتحادیه اروپا خارج است. وضعیت اوکراین نیز از منظر دولت‌سازی با کوزوو تفاوت دارد چراکه نهادهای حاکمیتی در اوکراین به قوت خود باقی مانده و در اثر بحران دچار فروپاشی نشده‌اند، درحالی‌که وضعیت در کوزوو بسیار شبیه به یک پروژه‌ی دولت‌سازی است. ایجاد تشکیلات پلیسی، برگزاری انتخابات و اعزام نیروهای نظامی به کوزوو از جمله مواردی است که در مورد اوکراین چندین موضوعیتی ندارد.

در خصوص اقدامات پس از بحران و پاسداری از صلح، امکان مقایسه تطبیقی وجود ندارد چراکه در کوزوو علاوه بر ایولکس^۱ که از طرف اتحادیه اروپا فعالیت می‌کند، نیروهای «کی فور»^۲ که براساس مأموریت ناتو به وجود آمده‌اند نیز مشغول فعالیت‌اند و امکان تفکیک نتیجه حاصله مابین دو سازمان نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. اما با توجه به این‌که مأموریت KFOR تمرکز بر رفع خشونت‌ها دارد و مأموریت EULEX بر حاکمیت قانون، می‌توان با مقایسه شاخص‌های صلح مثبت و

^۱European Union Rule of Law Mission in Kosovo (EULEX)

^۲Kosovo Force (KFOR)

منفی به یک نتیجه‌گیری ابتدایی رسید. صلح منفی که با شاخص «جی.پی.ای»^۱ اندازه‌گیری می‌شود از ۲۳ معیار تشکیل شده‌اند که حفظ صلح به معنای نبود خشونت را اندازه‌گیری می‌کنند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تعداد نیروهای پلیس، تعداد خودکشی‌ها، تعداد زندانی‌ها در هر صد هزار نفر، میزان دسترسی به اسلحه سبک، تعداد و زمان خشونت‌های داخلی، میزان کمک به عملیات حفظ صلح سازمان ملل، در صد هزینه نظامی از تولید ناخالص داخلی. (Global Peace Index, 2017)

این شاخص‌ها توسط موسسه اقتصاد و صلح «آی.ای.پی»^۲ اندازه‌گیری می‌شود. از آنجایی که این اندازه‌گیری‌ها از سال ۲۰۰۸ انجام می‌شده، برای منظور پژوهش حاضر اعداد از یک سال قبل شروع بحران اکرین، سال ۲۰۱۳، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. درخصوص بحران کوزوو، اعداد مربوطه، صرفاً به منظور بررسی میزان موفقیت عملیات حفظ صلح گردآوری شده‌اند. اما شاخص‌های صلح مثبت ۲۴ تا هستند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: دولت‌مداری مؤثر، فضای کسب‌وکار مناسب، توزیع متوازن منابع، روابط خوب با هم‌سایگان، سطح پایین فساد، جریان آزاد اطلاعات. (Positive Peace Report, 2017) اعداد به‌دست آمده برای کشور اکرین در جدول زیر نمایش داده شده است:

اکراین

شاخص صلح مثبت	شاخص صلح منفی	سال
موجود نیست	2.238	2013
موجود نیست	2.546	2014
3.097	2.845	2015
3.097	3.287	2016
3.17	3.184	2017

اعداد مشابه برای کوزوو نیز در جدول زیر آمده است:

^۱Global Peace Index

^۲Institute for Economics and Peace

کوزوو

شاخص صلح مثبت	شاخص صلح منفی	سال
موجود نیست	1.969	2013
موجود نیست	1.929	2014
2.564	1.938	2015
2.564	2.022	2016
3.61	2.007	2017

نتیجه‌گیری

اگر مواجهه با بحران را به دو سطح سیاسی و اجتماعی تقسیم کنیم، می‌توان گفت نقش اتحادیه‌ی اروپا در مواجهه با بحران اکرین، هم به‌لحاظ تعداد کنش‌ها، هم به‌لحاظ نتیجه‌ی آن‌ها موفقیت‌آمیزتر بوده است. در بحران اکرین نسبت به بحران کوزوو نقش آمریکا حداقلی بوده و توافقات مینسک یک و دو بدون دخالت مستقیم آمریکا حاصل شده است. شاید یک دلیل موفقیت آن، همین عدم دخالت مستقیم آمریکا بوده باشد. اصولاً منازعات شرق اروپا تا زمانی که مابین روسیه و اروپا جریان داشته باشد، بیشتر وجهه‌ی ژئوپلیتیک به خود می‌گیرد، اما زمانی که اختلافات از حالت منطقه‌ای خارج، و به نزاع مستقیم مابین آمریکا و روسیه تبدیل می‌شود، جنبه‌ی ارزشی و هژمونیک پیدا کرده و راضی کردن طرفین به یک راه‌حل بینابینی دشوار می‌شود. به همین جهت افزایش توانایی اروپا در حل بحران‌ها، فی‌نفسه امکان حل منازعه‌های این منطقه را افزایش می‌دهد.

در عین حال، مرور ادبیات موجود و اظهارنظرهای کارشناسان، نشان می‌دهد که اتحادیه‌ی اروپا در سطح اجتماعی، نهادسازی و صلح مثبت موفق عمل نکرده است. EULEX و موافقت‌نامه‌های مابین اتحادیه اروپا و اکرین هیچ‌کدام نتوانسته جلوی بروز مجدد بحران را بگیرد. در خصوص سیاست همسایگی اتحادیه‌ی اروپا و دلایل شکست آن‌ها پژوهش‌های متعددی انجام شده است. نظر غالب در میان نوشته‌های علمی بر شکست این پروژه است. به مواردی از آن‌ها در مورد اکرین و کوزوو اشاره شد. در خصوص نتایج به دست آمده با توجه به شاخص‌های صلح منفی می‌توان گفت، وضعیت هر دو کشور در هر دو شاخص رو به بدتر شدن است. البته برای اکرین از سال ۲۰۱۵ و برای کوزوو از سال ۲۰۱۶ اوضاع بهتر

شده است. صلح مثبت اما همواره روند منفی را طی کرده است. در نتیجه اگر بخواهیم از اعداد به دست آمده یک نتیجه‌ی مشخص به عمل آوریم، به همان نتیجه‌ای می‌رسیم که تحلیل کیفی بررسی عمل کرد اتحادیه در دو بحران به دست آمد: اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی صلح مثبت کم اثر بوده است، اگرچه در زمینه‌ی صلح منفی دستاوردهایی داشته است.

در نهایت لازم به یادآوری است که دو بحران مورد مطالعه تفاوت‌های جدی با یکدیگر دارند که نتایج به دست آمده را تا اندازه‌ای مخدوش می‌کنند. علم روابط بین‌الملل همانند علوم تجربی امکان فراهم آوردن شرایط آزمایشگاهی را ندارد. آزمایشگاه روابط بین‌الملل، تاریخ است. شرایط تاریخی در هر برهه‌ای منحصر به فرد است، که امکان مقایسه نسبتاً دقیق را سلب می‌کند. اما این تنها ابزاری است که در اختیار داریم. دانستن آن و پژوهش درباره‌ی آن، درک ما از واقعیت‌های بین‌المللی و نتایج اقدامات صورت گرفته را اندکی بهبود می‌بخشد. پژوهش حاضر با چنین نگاهی سعی در ارزیابی تلاش‌های اتحادیه در امر حفظ صلح و مدیریت بحران‌های بین‌المللی را داشت.

بی‌نوشت

۱. هدف از تهیه گزارش این بود که اتحادیه اروپا با یک صدای واحد در مسائل مهم بین‌المللی سخن بگوید (The history of the European Union, n.d.)

منابع

ایزدی، پیروز (۱۳۸۷). معاهده لیسبون گامی دیگر در وحدت اروپا. *مجله راهبرد*، شماره ۴۷.

حکمت، ناصر، و رمضانی، محمدعلی (۱۳۹۴). تحلیل عملکرد سیاست همسایگی اتحادیه‌ی اروپا مطالعه‌ی موردی اوکراین. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۴۹-۷۱.

زادوخین (۱۳۸۴). *سیاست خارجی روسیه، خودآگاهی و منافع ملی (مهدی سنائی، ترجمه)*. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات راهبردی ابرار معاصر.
صفری، عسگر، و وثوقی، سعید (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک اوکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰۹-۱۳۶.
مجیدی، محمدرضا، ثمودی پیله رود، علیرضا، نورعلی نند، یاسر (۱۳۹۲). *سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا پس از جنگ سرد*. تهران: نشر خرسندی.

A divided Ukraine (2014, 3 3). Retrieved from Cable News Network: <http://www.cnn.com/interactive/2014/02/world/ukraine-divided/>

An Insider's View of EU Efforts in Kosovo. (2012, 11 7). Retrieved from The Spiegel Online: <http://www.spiegel.de/international/europe/veteran-insider-provides-grim-account-of-eulex-efforts-in-kosovo-a-865650.html>

Bislimi, F. T (2012). International Statebuilding in Kosovo: The Shifting Trend in the Level of US – EU Involvement. *THE WESTERN BALKANS POLICY REVIEW*, 2(2), 48-72. Retrieved from <http://www.kppcenter.org/wbpreview.html>

- Cohen, B (1993). Why Europe Failed to Halt The Genocide in Bosnia.
- Collaku, P (2015). *Deadly 2004 Unrest 'Damaged Kosovo's Image'*. Retrieved from *Balkan Transitional Justice*: <http://www.balkaninsight.com/en/article/march-events-have-faded-kosovo-s-image>
- Dedman, M. J (2010). *The Origins and Development of the European Union 1945-2008* (Second ed). New York: Routledge.
- EU Civilian and Military Missions (2003). Retrieved from London School of Economics and Political Science: http://www.lse.ac.uk/international_Relations/centresandunits/EFPU/EFPUdfs/EU-Civilian-and-Military.
- Daalder, I., & M. O'Hanlon (1999). *Unlearning the lessons of Kosovo*. *Foreign Policy*, 116, 128-140. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/1149651>
- Jarosiewicz, Aleksandra., Kłysiński, Kamil., & Wiśniewsk, Iwona (2010). Common Economic Space: another step towards integration focused on Russia. Retrieved from The Centre for Eastern Studies (OSW) : <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/analyses/2010-12-15/common-economic-space-another-step-towards-integration-focused-russia>.
- Jozwiak, R (2017). After Four Years Of Drama, EU-Ukraine Association Agreement Comes Into Force. Brussels: Radio Free Europe/Radio Liberty.
- Kostanyan, H (2017). *Assessing European Neighbourhood Policy, Perspectives from the Literature*. London: Rowman & Littlefield International, Ltd.
- Kozlenko, S., & Heintz, J (2015). Troubled Ukraine Marks Year Since Protest Bloodbath in Kiev. Retrieved from ABC News Internet Ventures: <http://web.archive.org/web/20150221015130/http://abcnews.go.com/International/wireStory/troubled-ukraine-marks-year-protest-bloodbath-kiev-29103345>
- Latawski, Paul., & Smith, Martin (2003). *The Kosovo crisis and the evolution of post-Cold War European security*. Manchester and New York: Manchester University Press.
- Laursen, F (2012). *The EU's Lisbon Treaty, Institutional Choices and Implementation*. Surrey: Ashgate.
- Legvold, R (2015). Robert Legvold on the New Cold War, Interview with Columbia University Professor and Leading Russia Scholar. (S. Ramani, Interviewer) Retrieved from <https://www.huffingtonpost.com/samuel->

- ramani/robert-legvold-on-the-new_b_8514120.html#
- Lindsay, H (2017). Top 10 Facts About the Kosovo War. Retrieved from The Borgen Project: <https://borgenproject.org/the-kosovo-war/>
- Parish, M (2014). Kosovo and Crimea – what’s the difference? Retrieved from Transconflict: <http://www.transconflict.com/2014/06/kosovo-and-crimea-whats-the-difference-026/>
- Piris, J.-C (2010). *The Lisbon Treaty, a Legal and Political Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Quackenbush, S. L (2014). *International Conflict, Logic and Evidence*. Los Angeles: SAGE.
- Ray, Julie., & Esipova, Neli. (2018). Ukrainians, Russians More Polarized on Future of Relations. Retrieved from Gallup: <http://news.gallup.com/poll/228086/ukrainians-russians-polarized-future-relations.aspx>
- Rights, O. o (2017). Report on the human rights situation in Ukraine - 16 August to 15 November 2017. United Nations, Human Rights, Office of High Commissioner. Retrieved from https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/UARepor20th_EN.pdf
- Schneider, K (2001). The Partnership and Co-operation Agreement (PCA) between Ukraine and the EU — Idea and Reality. Ukraine on the Road to Europe (pp. 66-78). Heidelberg: Hoffmann L., Möllers F. (eds).
- Shepherd, A. J (2009). A milestone in the history of the EU?: Kosovo and the EU's international role. *International Affairs*, 85(3), 513-530. Retrieved from <https://doi.org/10.1111/j.1468-2346.2009.00811.x>
- Smith, N. R (2016). Employing a Neoclassical Realist Framework for the Analysis of the EU's Deep and Comprehensive Free Trade Agreement offer to Ukraine. *International Relations*, 29-48.
- Staff, R (2017). Russian gas exports via Ukraine up 23 pct this year. Retrieved from Reuters: <https://www.reuters.com/article/ukraine-gas-transit/russian-gas-exports-via-ukraine-up-23-pct-this-year-idUSL8N1LI10E>
- The history of the European Union. (n.d.). Retrieved from The Official Website of the European Union: https://europa.eu/european-union/about-eu/history/1970-1979/1970_en
- Timeline - EU restrictive measures in response to the crisis in Ukraine (2018). Retrieved from European Council and Council of the European Union: <http://www.consilium.europa.eu/en/policies/sanctions/ukraine->

crisis/history-ukraine-crisis/

Treaty of Amsterdam (1997). Retrieved from European Parliament: <http://www.europarl.europa.eu/topics/treaty/pdf/amst-en.pdf>

Tweedie, N (2009). Kosovo War: Thousands killed as Serb forces tried to keep control of province. Retrieved from The Telegraph: <https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/kosovo/5084374/Kosovo-War-Thousands-killed-as-Serb-forces-tried-to-keep-control-of-province.html>

Ukraine crisis: timeline of major events. (2015). Retrieved from The Telegraph: <https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/ukraine/11449122/Ukraine-crisis-timeline-of-major-events.html>

Vasovic, A., & Pawlak, J (2013). EU brokers historic Kosovo deal, door opens to Serbia accession. Retrieved from Reuters: <https://www.reuters.com/article/us-serbia-kosovo-eu/eu-brokers-historic-kosovo-deal-door-opens-to-serbia-accession-idUSBRE93I0IB20130419>

Velychenko, S (2007). Ukraine, the EU and Russia, History, Culture and International Relations. New York: Palgrave Macmillan.

Velychenko, S. (2007). Ukraine: EU Member or a Second Belarus? In S. Velychenko, Ukraine, the EU and Russia (pp. 1-52). New York: PALGRAVE MACMILLAN.

Waterfield, B (2009). Lisbon Treaty Q & A: your guide to what it means and what happens next. Retrieved from The Telegraph: <https://www.telegraph.co.uk/news/majornews/6257617/Lisbon-Treaty-Q-and-A-your-guide-to-what-it-means-and-what-happens-next.html#top>

ضمیمه	
۳,۳,۲۰۱۴	در جلسه فوق العاده شورای روابط خارجی، اجلاس سران جی ۸ که قرار بود در سوچی روسیه برگزار شود به حالت تعلیق در آمد.
۳,۶,۲۰۱۴	- در اجلاس سران اتحادیه ضمن محکوم کردن اقدامات روسیه در اکراین، اقدامات تنبیهی شامل مسدود کردن دارایی ها و ایجاد محدودیت سفر در نظر گرفته شود و مذاکراتی که از قبل در خصوص ویزای شهروندان روسی و توافقنامه جدید روسیه و اتحادیه اروپا آغاز شده بود به حالت تعلیق درآمد.
۳,۱۷,۲۰۱۴	وزرای اتحادیه اولین مجموعه تحریم ها، شامل ۲۱ نفر از مقامات روسی و اکراینی که در نقض تمامیت ارضی اکراین نقش داشته اند را تصویب کردند.
۳,۲۰,۲۰۱۴	شورای اروپایی در پی اقدام روسیه به الحاق کریمه، ۱۲ نفر دیگر را به لیست تحریم ها اضافه نمود. علاوه بر آن اتحادیه اروپا نشست سران اتحادیه و روسیه را لغو تاکید که دولت های عضو هیچ نشست دو جانبه ای با روسیه نخواهند داشت. همچنین از کمیسیون خواست تحریم های وسیع تر اقتصادی و تجاری را آماده کند تا در صورت اقدامات بی ثبات کننده بیشتر از جانب روسیه، آن ها را اعمال کنند.
۴,۱۵,۲۰۱۴	اتحادیه تصمیم گرفت تا افراد بیشتری را به لیست تحریم های خود بیفزاید.
۵,۱۲,۲۰۱۴	به دنبال حوادث شرق اکراین و کریمه، شورا تصمیم گرفت تا اقداماتی را که کمیسیون پیرو درخواست شورای اروپایی در مارس مارس تدوین کرده است را به مرحله اجرا در آورد.
۶,۲۳,۲۰۱۴	شورا ضمن رد شناسایی الحاق غیرقانونی کریمه، ورود کالاهایی با منشأ کریمه یا سواستوپل را ممنوع کرده است.
۶,۲۶,۲۰۱۴	رهبان اروپا "چهار گام ویژه" را که می بایستی توسط روسیه و جدایی طلبان برای کاهش تنش در پیش گرفته شود را تدوین کردند. آن ها همچنین توافقنامه اتحاد را با اکراین امضا کردند.
۷,۱۶,۲۰۱۴	در جلسه ویژه شورای اروپایی، ضمن اظهار تاسف از عدم اجرای چهار گام پیشنهادی در جلسه ماه جون، ۶ اقدام تنبیهی دیگر، شامل محدودیت در همکاری های اقتصادی را در پیش گرفتند.
۷,۱۸,۲۰۱۴	شورای مبنای حقوقی اقدامات تنبیهی علیه روسیه را گسترش داد که می تواند هر موجودیتی که به اقدام علیه اکراین دست می زند را شامل شود.
۷,۲۲,۲۰۱۴	به دنبال سرنگونی هوایمی MH17 وزرای اتحادیه خواستار نهایی شدن کار تدوین تحریم های اقتصادی در چهار حوزه شدند.
۷,۲۵,۲۰۱۴	شورای تحریم ها را توسعه دادند. کمیته نمایندگان دائمی شورا همچنین اقدامات اولیه برای تحریم های بیشتر را اتخاذ کردند.
۷,۲۹,۲۰۱۴	پیرو جلسه ۱۶ جولای، شورا بسته ای از تحریم های اقتصادی که شامل مبادلات در برخی بخش های اقتصادی می شود را به مرحله اجرا در آوردند.
۸,۳۰,۲۰۱۴	به دنبال افزایش تنش ها در اکراین، شورای اروپایی خواستار اعمال تحریم های اقتصادی بیشتر علیه اروپا شدند.
۹,۱۲,۲۰۱۴	بسته جدید اقدامات تنبیهی شامل مبادلات با روسیه در بخش های اقتصادی خاص که در ۳۱ جولای تدوین شد به مرحله اجرا در آمد.
۱۱,۱۷,۲۰۱۴	وزرای اتحادیه اروپا از سرویس اقدام خارجی و کمیسیون اروپا خواستند تا پیشنهادی برای تحریم های بیشتر علیه جدایی طلبان اعمال کند.
۱۱,۲۸,۲۰۱۴	پیرو درخواست شورای روابط خارجی ۱۳ شخص و ۵ تشکل جدایی طلبان مشمول تحریم ها قرار گرفتند. با این تصمیم تعداد افراد تحریم شده تا کنون به ۱۳۲ نفر و تعداد تشکل های تحریم شده به ۲۸ نفر رسید.
۲,۹,۲۰۱۵	شورای وزیران ۱۹ نفر و ۹ تشکل دیگر را مشمول تحریم ها قرار دادند. برای بازگذاشتن فضای دیپلماسی، این تحریم ها تا ۱۶ فوریه ۲۰۱۵ به تعویق افتادند.
۲,۱۲,۲۰۱۵	رهبان اروپا ضمن استقبال از توافق مینسک، اعلام کردند آماده اند تا در صورتی که توافق و آتش بس اجرایی نشود، اقدامات لازم را به عمل آورند.
۲,۱۶,۲۰۱۵	طبق درخواست شورای روابط خارجی، تحریم های وضع شده در تاریخ ۹ فوریه را به حالت عملیاتی در آوردند.
۳,۵,۲۰۱۵	شورای وزیران اقدامات تنبیهی را علیه استفاده غیر مجاز از بودجه دولتی اتخاذ کردند.
۳,۱۳,۲۰۱۵	۱۵۰ شخص و ۳۷ تشکل دیگر مشمول تحریم های بیشتر قرار گرفتند.
۳,۱۹,۲۰۱۵	سران اروپا تحریم های موجود را به معاهده مینسک متصل کردند. به همین دلیل آن ها، این تحریم ها را تا پایان ۲۰۱۵ تمدید کردند. سران اروپا همچنین بر لزوم مقابله با جنگ های اطلاعاتی روسیه برای انحراف افکار عمومی تاکید کردند. از نکات دیگر این جلسه توافق بر سر اهداف نشست سران مشارکت شرقی که در ۲۲ می ۲۰۱۵ در ریگا اتفاق می افتد بود.

۶،۵،۲۰۱۵	سه شخص دیگر هم توسط شورای وزیران مورد تحریم های اتحادیه قرار گرفتند.
۶،۱۹،۲۰۱۵	در پاسخ به الحاق کریمه، شورا تحریم ها را تا ۲۳ جون ۲۰۱۶ تمدید کرد. این تحریم ها شامل محدودیت واردات کالا، سرمایه گذاری، توریسم، خدمات و محدودیت در صادرات برخی کالاها و تکنولوژی هاست.
۶،۲۲،۲۰۱۵	شورا تحریم های اقتصادی را تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۶ تمدید کرد. این تحریم ها شامل برخی مبادلات با روسیه در امور مالی، انرژی، دفاعی، و کالاهای با استفاده های دوگانه است.
۹،۱۴،۲۰۱۵	شورا تحریم ها را تا ۱۵ مارس ۲۰۱۶ تمدید کرد. این تحریم ها شامل ضبط دارایی ها و محدودیت سفر برای ۱۴۹ شخص و ۳۷ تشکل است.
۱۲،۲۱،۲۰۱۵	شورا تحریم های اقتصادی علیه روسیه را تا ۳۱ جولای ۲۰۱۶ تمدید کرد. از آن جایی که در مارس ۲۰۱۵ رهبران اروپا تصمیم گرفتند تا تحریم ها را به اجرای موافقتنامه مینسک پیوند دهند و موارد این موافقتنامه تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ اجرایی نخواهد شد، از این رو این تحریم ها تمدید شد.
۳،۴،۲۰۱۶	شورا ضبط دارایی های ۱۶ نفر را به دلیل سوء استفاده از بودجه دولتی اوکراین تمدید کردند.
۳،۱۰،۲۰۱۶	شورا به دلیل نقض حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال اوکراین، اقدامات محدود کننده ۱۴۶ شخص و ۳۷ شرکت را تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶ تمدید کردند.
۶،۱۷،۲۰۱۶	شورا اقدامات محدود کننده ای که در پاسخ به الحاق غیرقانونی کریمه و سواستوپول توسط روسیه علیه این کشور وضع شده بود را تا ۲۳ جون ۲۰۱۷ تمدید کردند. این اقدامات شامل اشخاص و شرکت های اروپایی می شود و آن ها را از دسترسی به قلمرو کریمه و سواستوپول منع می کند.
۷،۱،۲۰۱۶	شورا تحریم های اقتصادی را که علیه برخی بخش های اقتصاد روسیه وضع شده بود را تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۷ تمدید کردند. در ۱۹ مارس ۲۰۱۵ شورای اروپایی تصمیم گرفت تا زمان تحریم ها به اجرای موافقتنامه مینسک پیوند زند. در پی برآورد اجرای موافقتنامه در جولای ۲۰۱۶ شورا تصمیم گرفت تا تحریم ها را برای شش ماه دیگر تمدید کند.
۱۱،۹،۲۰۱۶	اتحادیه اروپا شش نفر از دومای روسیه را که توسط کریمه و سواستوپول انتخاب شده اند را به لیست تحریم ها اضافه کرد.
۱۲،۱۹،۲۰۱۶	به دنبال تصمیم شورای اروپایی در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۶، که در آن اجرای موافقتنامه مینسک مورد بررسی قرار گرفت، شورای وزیران تحریم های اعمالی علیه برخی بخش های روسیه را تا ۳۱ جولای ۲۰۱۷ تمدید کرد.
۳،۳،۲۰۱۷	شورا ضبط دارایی های ۱۵ نفر را که در استفاده از دارایی های دولت اوکراین سوءاستفاده کرده اند تا ۶ مارس ۲۰۱۸ تمدید کرد.
۳،۱۳،۲۰۱۷	شورا تحریم های اعمال شده شامل ضبط دارایی ها و ممنوعیت مسافرت ۱۵۰ نفر و ۳۷ شرکت را تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷ تمدید کرد.
۶،۱۹،۲۰۱۷	شورا اقدامات محدود کننده ای که در پاسخ به الحاق غیرقانونی کریمه و سواستوپول توسط روسیه علیه این کشور وضع شده بود را تا ۲۳ جون ۲۰۱۸ تمدید کردند. این اقدامات شامل اشخاص و شرکت های اروپایی می شود و آن ها را از دسترسی به قلمرو کریمه و سواستوپول منع می کند.
۶،۲۸،۲۰۱۷	شورا تحریم های اعمال شده علیه برخی از بخش های روسیه تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸ تمدید کرد. این تصمیم پيرو بررسی های مشترک امانوئل مکرون و صدراعظم مرکل در تاریخ ۲۳ و ۲۳ جون ۲۰۱۷ در شورای اروپایی درخصوص نحوه اجرای موافقتنامه مینسک اتخاذ شده است.
۸،۴،۲۰۱۷	اتحادیه اروپا سه تبعه روس و سه شرکتی را که در انتقال توربین های گازی به روسیه نقش داشته اند را به لیست تحریم های خود اضافه کرد.
۹،۱۴،۲۰۱۷	شورای وزیران تحریم هایی را که تاکنون شامل ۱۴۹ شخص و ۳۸ تشکل می شود را تا ۱۵ مارس ۲۰۱۸ تمدید کرد.
۱۱،۲۱،۲۰۱۷	شورای وزیران فرماندار سواستوپول را به لیست تحریم های خود اضافه کرد.
۱۲،۲۱،۲۰۱۷	شورا تحریم های اعمال شده علیه برخی از بخش های روسیه تا ۳۱ جولای ۲۰۱۸ تمدید کرد. این تصمیم پيرو آخرین بررسی های مشترک امانوئل مکرون و صدراعظم مرکل در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷ در شورای اروپایی درخصوص نحوه اجرای موافقتنامه مینسک اتخاذ شده است.
۳،۵،۲۰۱۸	شورا ضبط دارایی های ۱۳ نفر را که در سوءاستفاده از دارایی های دولتی اوکراین نقش داشته اند را تا ۶ مارس ۲۰۱۷ تمدید کرد.
۳،۱۲،۲۰۱۸	شورا تحریم هایی را که تاکنون شامل ۱۵۰ نفر و ۳۸ تشکل می شود را تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۸ تمدید کرد.
(Timeline - EU restrictive measures in response to the crisis in Ukraine, 2018)	